

جلسه



صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی
روابط عمومی: فاطمه محمودی
تحریریه: سهیلاسادات حسینی، فاطمه محمودی، یاسر اصلانی

ماه نامه سایس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: www.sayesman.ir www.totayar.ir

@sayes_man



@totayar.ir

@nashre.tahkim.khanevade



@totayar



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

رایان نامه totayar@iran.ir

Iea.iran@iran.ir

ماهنامه «سایس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام سایس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟. سایس من کیست؟



با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.

انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن

واقعی کلمه «عیدالله‌الاکبر» است

از اینکه مردم عزیز ما این عید شریف را به شکل مردمی برگزار میکنند، در خیابانها، در مسیرهای طولانی برای عید غدیر جشن میگیرند، صمیمانه تشکر میکنم؛ ابتکار مردمی بسیار خوبی است. این روزها از طرفی حدود چهل‌م شهیدان خدمت است که طبعاً یاد این عزیزان را برای ملت ایران تازه میکند؛ از طرفی هم شور و شوق انتخاباتی در بین مردم مطرح است؛ ایام حساسی است که مصادف شده است با این عید سعید، عید سعید غدیر و بایستی همه‌ی ما از خدای متعال توفیق بخواهیم که بتوانیم کار خودمان را بر طبق وظیفه انجام بدهیم.

عرض من امروز یک کلمه‌ی مختصر در باب واقعه‌ی غدیر است که عرض میکنم، یک کلمه‌ی مختصر در باب مولی‌المتقین امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) عرض میکنم — فقط برای اینکه عرض ارادتی کرده باشیم — بعد هم چند جمله در باب انتخابات عرض خواهم کرد؛ این فهرست عرایض امروز ما با شما برادران و خواهران عزیزی است که اینجا اجتماع کرده‌اید.

در موضوع عید غدیر که عید غدیر روز اعلام خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، یک تعبیر قرآنی در این روز خیلی چشمگیر و حساس است؛ آن تعبیر هم این است که در [آیات] اول سوره‌ی مائده میفرماید: **الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ**؛ یعنی در روز هجدهم ذی‌الحجه‌ی سال دهم هجری، روز اعلام غدیر و جانشینی امیرالمؤمنین، روزی است که کفار مأیوس شدند از اینکه بتوانند دین مبین اسلام را قلع و قمع کنند؛ تا آن روز هنوز همچنان امیدوار بودند که بتوانند

بیانات در دیدار مردمی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم در سالروز عید غدیر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا
و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين
الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين
المكرميين سيما بقیة الله فی الارضين.

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية علي بن
ابي طالب امير المؤمنين و الائمة المعصومين (عليهم
السلام).

عید سعید غدیر را تبریک عرض میکنم به همه‌ی شما حضار محترم و به همه‌ی ملت ایران و به همه‌ی مسلمانان عالم؛ چون عید غدیر با معنای درست و برجسته‌ای که از آن میشود کرد، متعلق به همه‌ی مسلمانان است؛ همه‌ی عالم اسلام باید عید غدیر را گرامی بدارند، و به معنای

نودسالگی یا بالاتر — صاحب دو فرزند شد؛ قرآن میگوید
 «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَ
 إِسْحَاقَ»؛ (۳) معنای امامت این است. این امامت را پیغمبر
 اکرم به دستور الهی استمرار میدهد، منتها استمرار این
 امامت باید با حاکمیت سیاسی همراه باشد؛ لذا اعلام
 خلافت میکند، اعلام ولایت میکند؛ «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا
 عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (۴) ضمناً بدانید حدیث غدیر را فقط شیعه
 نقل نکرده‌اند، [بلکه] متواتر است بین شیعه و سنی؛ این
 حدیث را که پیغمبر فرمود «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ
 مَوْلَاهُ»، همه‌ی یا بسیاری از محدثین شیعه و سنی نقل
 کرده‌اند. خب وقتی امامت استمرار پیدا کرد، الگوی زیست
 اسلامی هم استمرار پیدا میکند. وقتی امامت در جامعه
 حاکمیت داشته باشد، زیست جامعه شکل اسلامی پیدا
 میکند، الگوی اسلامی در جامعه تحقق پیدا میکند. اگر
 حاکمیت سیاسی اسلام از دست برود، خسارت بزرگ این
 است که زیست اسلامی، زیست اجتماعی اسلامی از بین
 خواهد رفت؛ بزرگ‌ترین خسارت این است.

این تلاشی که ائمه‌ی ما (علیهم السلام) در طول زندگی
 دوپست‌وپنجاه‌ساله برای حاکمیت اسلام میکردند،
 مبارزهای که میکردند، آن کاری که بعدها بعضی از بزرگان
 شیعه انجام میدادند، آن کاری که امام راحل و ملت ایران
 در این برهه‌ی از زمان برای ایجاد انقلاب اسلامی انجام
 دادند، همه برای همین است که امامت متکی بشود به
 حاکمیت سیاسی، و این منتهی بشود به اینکه «زیست
 اسلامی» در جامعه گسترش پیدا کند.

زیست اسلامی «یعنی چه؟ معنای چگونگی زندگی»
 اجتماعی اسلامی چیست؟ این را در قرآن و در نهج‌البلاغه
 و در روایات میشود پیدا کرد. در این الگو، «لِيَقَوْمَ النَّاسِ
 بِالْقِسْطِ» (۵) وجود دارد، یعنی «عدالت»؛ در این الگو

این کار را بکنند؛ اما آن روز دیگر مایوس شدند. الْيَوْمَ
 يَيْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ؛ (۱)
 [میفرماید] حالا دیگر هیبت کفار، شما را مرعوب نکند؛
 به ظواهر و کارها و خودنمایی‌هایی که کفار میکنند
 اهمیتی ندهید؛ مراقب رفتارشان در مقابل پروردگار عالم
 باشید؛ [مفهوم] آیه این است. چرا کفار مایوس شدند؟
 این به خاطر تداوم «حاکمیت سیاسی اسلام» است.

یک وقت، عقیده‌ی اسلامی هست، عمل اسلامی هست اما
 سیاست اسلامی نیست، حاکمیت اسلامی نیست؛ وقتی
 حاکمیت اسلام به وجود آمد، روح اسلام — که حالا
 عرض خواهم کرد — تحقق واقعی پیدا خواهد کرد؛ روح
 اسلام «امامت» است. امامت، یکی از مراتب مهم شئون
 انبیای الهی است؛ یعنی هر کدام از پیغمبران یک امامند،
 دارای مقام امامتند. مقام امامت برای پیغمبران، از مقام
 رسالت بالاتر است. معنای رسالت پیغمبر این است که
 پیام الهی را به مردم میرساند، اما معنای امامت پیغمبر
 این است که این رسالت را در دل مردم، در اندیشه‌ی
 مردم و در عمل و کارکرد مردم اجرا میکند؛ این معنای
 امامت است. لذا شما می‌بینید خدای متعال به حضرت
 ابراهیم (علیه السلام)، بعد از آن همه امتحانات سختی که
 برای آن بزرگوار پیش آمد، در اواخر عمر او میفرماید: وَ اِذِ
 ابْتَلَىٰ اِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَمَهُنَّ قَالَ اِنِّى جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ
 اِمَامًا. خدای متعال بعد از این همه حوادث، بعد از این همه
 امتحانات سخت، در آخر عمر به ابراهیم میگوید: اِنِّى
 جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا؛ حالا تو به مقام امامت رسیدی.
 چطور میگوییم آخر عمر؟ چون بعد ابراهیم میگوید: قَالَ
 وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي؟ (۲) «آیا در ذریه‌ی من هم این امامت وجود
 دارد؟» که خدای متعال به او جواب میدهد. خب ذریه‌ی
 ابراهیم مربوط به پیرمردی ابراهیم است دیگر. حضرت
 ابراهیم (علیه السلام) در سنین پیری — شاید در

ذهن بشر معمولی و چشم خرد انسان عادی و معمولی میتواند آن خورشید را ببیند، به او نگاه کند، به او خیره بشود؟ مگر امکان دارد؟ نه. جمال معنوی امیرالمؤمنین را نمیشود [فهمید]؛ ماها نمیفهمیم؛ رتبه‌ی عرشی امیرالمؤمنین را ما نمی‌شناسیم؛ یعنی کلماتی گفته میشود، یک تصویری ممکن است در ذهنمان به وجود بیاید اما مغز و معنای آن حقیقت روشنی را که امیرالمؤمنین مظهر آن است، واقعاً نمیتوانیم درست درک کنیم؛ بشر معمولی نمیتواند درک کند؛ آن را ائمه درک میکنند، آن را خود پیغمبر درک میکند. خب پس ما چه جور از امیرالمؤمنین درس بگیریم؟ از کلمات خود امیرالمؤمنین که در نهج‌البلاغه هست و بحمدالله تدوین‌شده و موجود است. یکی از نعمتهای بزرگ الهی برای جوامع اسلامی همین نهج‌البلاغه است؛ این هم اختصاص به شیعه ندارد؛ بزرگ‌ترین شرح نهج‌البلاغه را ابن‌ابی‌الحدید سنی نوشته. در همین قرن اخیر، عالم معروف مصری، محمد عبده شرح نهج‌البلاغه نوشته؛ یعنی نهج‌البلاغه فقط مال شیعیان نیست، مال همه‌ی مسلمین است؛ درس است، راه است، ارائه‌ی طریق است، بیان معیارها است، بیان مبناها است؛ چیز بزرگی است. ما به این نهج‌البلاغه که نگاه میکنیم و همچنین به آیات قرآن که نگاه میکنیم، میتوانیم ابعاد شخصیت امیرالمؤمنین را برای درس گرفتن به دست بیاوریم. من حالا یک بخشهای کوتاهی را عرض میکنم؛ یعنی واقعاً شاید سالها طول بکشد اگر کسی بخواهد بنشیند راجع به فضایل امیرالمؤمنین حرف بزند؛ با یک ساعت و نیم ساعت و ده ساعت که قضا یا تمام نمیشود. حالا یک چند کلمه‌ای ما عرض میکنیم.

فضایل آن بزرگوار آن چنان است که به قول خلیل‌بن‌احمد، عالم معروف قرن دوم، فضایل علی‌بن‌ابی‌طالب را، هم

أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» (۶) وجود دارد، یعنی «مرزبندی با» دشمن»؛ در این الگو «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (۷) وجود دارد، یعنی «مهربانی مؤمنین و مردم با یکدیگر»؛ اینها خطوط اصلی است؛ ما از هر کدام از اینها که غفلت کرده باشیم و غفلت بکنیم و زمین بماند، نقصی در الگوی زیست اسلامی به وجود می‌آید.

در این الگو «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» (۸) هست؛ یعنی حاکم جامعه رنج مردم را با وجود خود، با همه‌ی دل خود درک میکند، احساس میکند. قرآن میگوید «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»؛ شما سختی میکشید، پیغمبر رنج میبرد. این از طرف حاکم نسبت به مردم. از طرف مردم هم «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ (۹) مردم هم همراهی میکنند، اطاعت میکنند، کمک میکنند، دنباله‌روی میکنند. از این قبیل خطوط روشن برای تبیین زیست اسلامی هزار مورد یا شاید هزاران مورد در قرآن و در نهج‌البلاغه و در صحیفه‌ی سجادیه و در روایات فراوان وجود دارد و میشود پیدا کرد. این معنای غدیر. غدیر در واقع برای ادامه‌ی تاریخ اسلام سوغات زیست اسلامی را ارائه میدهد؛ حالا اینها که بعد در [مورد] قضیه‌ی غدیر چه اتفاقی افتاد، بحثهای دیگری است. معنای غدیر استمرار حاکمیت الهی و اسلامی است برای اینکه این حاکمیت بتواند آن الگوی برجسته و پیشرفته‌ی زیست اسلامی را به وسیله‌ی امامت استمرار ببخشد؛ این معنای غدیر است؛ این برای شیعه و سنی دیگر فرقی ندارد؛ همه‌ی فرق اسلامی از این بهره می‌برند. ما غدیر را با این چشم نگاه کنیم که مایه‌ی «وحدت» است؛ غدیر را بهانه‌ای برای دعوای شیعه و سنی قرار ندهیم. این نکته‌ی مربوط به غدیر.

و اما درباره‌ی امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام). ما درباره‌ی علی‌بن‌ابی‌طالب (علیه السلام) چه بگوییم؟ مگر

چند مورد وجود دارد که من یک موردش را اینجا عرض میکنم. به حضرت خبر دادند که اشرار و الوات شامی به شکل مسلح می‌آیند در انبار (۱۲) و حمله میکنند به خانه‌های مردم و طلاها را از دست و پای زنها بیرون میکشند، اینها را اذیت میکنند، آزار میکنند؛ [وقتی] این خبر را به حضرت دادند، حضرت این جور میفرماید: فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْآخَرَى الْمُعَاهَدَةَ فَيَنْتَزِعُ عِجْلَهَا؛ ببینید! میگوید به من خبر رسیده که اینها وارد خانه میشوند که در این خانه زن هست — یا زن مسلمان، یا زن غیر مسلمان — بعد که این را میگوید، میفرماید: فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهٍ مَلُومًا؛ اگر مرد مسلمان از این حادثه، از این خبر، از غصه بمیرد، مورد ملامت نیست. احساس را می‌بینید! بی‌خیال بودن نسبت به آحاد جامعه، در نقطه‌ی مقابل این احساس نسبت به تک‌تک آحاد جامعه، حتی زن غیر مسلمان؛ میگوید اگر مرد مسلمان بمیرد از این غیرت، از این ناراحتی که الوات و اشرار شامی وارد خانه بشوند و به زنان مسلمان [و غیر مسلمان] تعرض بکنند، از غصه اگر بمیرد، «ما کانَ بِهٍ مَلُومًا» نمیشود ملامتش کرد، «بَلْ كَانَ بِهٍ عِنْدِي جَدِيرًا» (۱۳) شایسته است، سزاوار است که انسان از غصه بمیرد؛ می‌بینید اوج احساس را! احساس دلسوزی نسبت به آحاد مردم در یک چنین اوجی؛ این هم یک گوشه‌ی دیگری از شخصیت امیرالمؤمنین.

در مورد مسئله‌ی عدالت؛ اصلاً نمیشود انسان درباره‌ی عدالت امیرالمؤمنین حرف بزند؛ اصلاً قابل توصیف نیست. حالا من یک جمله از حضرت نقل کردم؛ میفرماید: «وَاللَّهِ لَأَنَّ آيَةَ عَلَى حَسَكِ السَّعْدَانِ مَسْهَدًا أَوْ أُجْرًا فِي الْأَغْلَالِ مُصَفِّدًا»، اگر سخت‌ترین شکنجه‌ها را به من بدهند، با بدن برهنه من را روی خارها بکشانند و مانند اینها، «أَحَبُّ

دشمنانش کتمان کردند، هم دوستانش؛ دشمنانش کتمان کردند به خاطر دشمنی؛ دوستانش کتمان کردند به خاطر خفقان، تقیه، ترس؛ کتمان کردند، نگفتند. با وجود اینکه هم دشمنان کتمان کردند، هم دوستان کتمان کردند، فضایل امیرالمؤمنین همه‌ی دنیا را پُر کرده است؛ تعبیر او این است: مَلَأَ الْخَافِقِينَ. کدام شخصیت بزرگ هست که کسانی که به دین او اعتقاد ندارند، درباره‌ی او چندین جلد کتاب بنویسند؟ این مخصوص امیرالمؤمنین است، این فقط مخصوص علی بن ابی طالب است. مسیحی درباره‌اش حرف میزند، هندو درباره‌اش حرف میزند، بودایی درباره‌اش حرف میزند، برادران مسلمان اهل تسننی که شیعه نیستند اما امیرالمؤمنین را کاملاً قبول دارند، درباره‌اش کتاب مینویسند، درباره‌اش حرف میزنند؛ فضایل این بزرگوار این است.

خب حالا من چند کلمه درباره‌ی بعضی از خصوصیات زندگی امیرالمؤمنین و شخصیت امیرالمؤمنین عرض میکنم که در همه‌ی اینها ایشان در اوج است. اول، یقین است؛ آنچه انسان را، پوینده‌ی راه را، پی‌گیرنده‌ی یک هدف را در راه نگه میدارد چیست؟ «یقین»؛ [اینکه] یقین داشته باشد، ناامید نشود، مأیوس نشود، دچار شک نشود؛ امیرالمؤمنین در یقین در اوج است. تعبیر خود حضرت این است: اِنِّي لَعَلِي بِبَصِيرَةٍ مِنْ نَفْسِي وَ يَقِينٍ مِنْ رَبِّي. (۱۰) یک جمله‌ی معروفی هم هست: «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِينًا» (۱۱) که البته من در نهج‌البلاغه این جمله را پیدا نکردم، [اما از ایشان] به هر حال نقل شده. این یقین امیرالمؤمنین در اوج این معنا.

درباره‌ی احساس نسبت به انسانها؛ نه فقط نسبت به مسلمانها، نه فقط نسبت به پیروان خودش، نسبت به [همه‌ی] انسانها، باز احساس او در اوج است. در نهج‌البلاغه

ابه خواب بروم؛ یعنی این هوشیاری در مقابل دشمن در اوج است.

یک نقطه‌ی دیگر، در مورد مردمی بودن حکومت، حق متقابل میان مردم و میان حاکم؛ «وَلَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ» (۱۷) میفرماید همان مقداری که من به گردن شما حق دارم — حالا شما ببینید امیرالمؤمنین چه حق بزرگی به گردن مردم دارد؛ مظهر قدرت خدا، مظهر رحمت خدا، مظهر علم خدا، حقی که بر انسانها دارد چقدر است؟ همان مقداری که من به گردن شما حق دارم — شما [هم] به گردن من حق دارید؛ مردمی بودن نظام اسلامی این است. حالا یک عده‌ای بنشینند بگویند انتخابات و دموکراسی و مردم‌سالاری و مانند اینها را جمهوری اسلامی ایران از غربی‌ها یاد گرفته! نهج‌البلاغه مال غربی‌ها است؟ مردمی بودن حکومت در زبان امیرالمؤمنین [این است]؛ حالا در قرآن هم آیات فراوانی وجود دارد که میشود از آن، این معنا را فهمید. این هم کلام امیرالمؤمنین است.

یک جمله‌ی دیگر که باز این هم در مقام احترام به نظر مردم [است]؛ و این هم باز در اوج است. فَلَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَ؛ (۱۸) امیرالمؤمنینی که معدن حکمت است، معدن علم است، علم او متصل به علم خدا است، علم او از وسایل عادی به دست نیامده، این انسان با این عظمت علمی میگوید: فَلَا تَكْفُوا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقِّ؛ اگر حرف حقی به نظرتان رسید که باید به من بگویید، بگویید؛ ساکت نمانید؛ أَوْ مَشُورَةٍ بَعْدَ؛ یک وقتی میخواهید یک مشورتی به من بدهید، یک چیزی به نظرتان میرسد، مشورت بدهید. در همه چیز در اوج، از همه جهت در اوج!

إِلَىٰ مِنْ أَنْ أَلْفَىٰ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ» (۱۴) همه‌ی اینها برای من بهتر از این است که من روز قیامت خدا را ملاقات کنم در حالی که به یک نفر ظلم کرده باشم! [اگر] بیشترین شکنجه‌ها را در دنیا به من بدهند، برای من گوارا است تا اینکه به یک نفر [ظلم کرده باشم]. آن وقت شما ببینید چه کسی این حرف را میزند؛ کسی که در رأس یک حکومتی است که شرق و غرب این حکومت، چند برابر ایران فعلی ما است. یعنی آن مملکتی که امیرالمؤمنین حاکم آن بود و امیرالمؤمنین آن مملکت بود — از رود جیحون تا رود نیل است، یعنی شامل ایران، شامل افغانستان، شامل عراق، شامل مصر [میشد]؛ فقط شام جدا بود که معاویه جدا کرده بود، بقیه همه تحت حکومت امیرالمؤمنین [بودند] — میگوید [اگر] به یک نفر از این جمعیت عظیمی که در این کشور بزرگ زندگی میکنند ظلم بشود، برای من سنگین‌تر است از اینکه همه‌ی عمرم شکنجه بکشم! این عدل امیرالمؤمنین [است]. عرض کردم درباره‌ی عدالت امیرالمؤمنین اصلاً نمیشود حرف زد، از بس مسئله سنگین است، از بس نشانه‌های عجیب و غریبی از عدالت این بزرگوار وجود دارد. این هم در اوج است.

در مورد هوشیاری در مقابل دشمن، باز در اوج است. این هم باز از نهج‌البلاغه من یک جمله عرض کنم؛ میفرماید که: «وَاللَّهِ لَا أَكُونُ كَأَضْبَعٍ تَنَامُ عَلَى طُولِ اللَّدْمِ» (۱۵) خلاصه‌ی معنایش این است: «من آدمی نیستم که با لالایی دشمن خوابم ببرد.» خیلی‌ها با لبخند دشمن خاطرشان جمع میشود که دیگر خطری نیست؛ اگر دشمن لالایی بدهد، خوابشان میبرد! امیرالمؤمنین میفرماید که «وَمَنْ نَامَ لَمْ يُنَمَّ عَنْهُ» (۱۶) اگر تو خوابت برد، معلوم نیست دشمن هم خوابش برده باشد، او بیدار است. نوازش دشمن و لالایی دشمن موجب نمیشود من

بزرگ مشروحو از امام هادی (علیه السلام)، با سند معتبر نقل شده که در مفاتیح هست. حالا [اینکه] چرا حضرت امام هادی (علیه السلام) راجع به امیرالمؤمنین به این مفصلی حرف میزنند، بنده یک تحلیلی دارم که خیلی به آن نمیپردازیم. حضرت در این زیارت به دهها آیهی قرآن استناد میکنند و [آنها را] تطبیق میکنند با امیرالمؤمنین (علیه السلام). بعد از آنکه همه‌ی این مطالب را راجع به امیرالمؤمنین میگویند — شاید ده دوازده صفحه است در مفاتیح — حضرت هادی (علیه السلام) خطاب به جد بزرگوارش میگوید: فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَصَفَكُ؛ کسی که تو را مدح میکند، نمیتواند به توصیف تو دست پیدا کند؛ امکان ندارد! بعد از همه‌ی این حرفها — که ده صفحه درباره‌ی امیرالمؤمنین حرف زده — آن هم امام هادی (علیه السلام) که خودش یک امام بزرگوار عرشی است، میگوید: فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَصَفَكُ وَ لَا يُحِيطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ؛ (۲۰) آن کسی هم که با تو مخالف و دشمن است، امکان ندارد که بتواند این توصیفات عجیب را پنهان کند و مخفی کند. این [جور] است. این توصیف امیرالمؤمنین است.

درس بگیریم دیگر، باید یاد بگیریم. امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) اسمش، نام مبارکش و مدایحی که درباره‌ی این بزرگوار گفته شده، در دسترس همه‌ی ماها هست و تکرار میکنیم اما این کافی نیست؛ امیرالمؤمنین معلّم است، باید زانو بزنیم، یاد بگیریم. همه باید یاد بگیرند؛ رئیس باید یاد بگیرد، مرئوس باید یاد بگیرد، مدیر سطح بالا باید یاد بگیرد، امثال این بنده‌ی حقیر — طلبه — باید یاد بگیرد، آحاد مردم باید یاد بگیرند؛ باید یاد بگیریم. عرض کردم امیرالمؤمنین مظهر اعلاّی امامت است که امامت، متکفل تبیین و تأکید زیست اسلامی در جامعه است؛ این زیست را باید یاد بگیریم. البتّه انقلاب

باز یک نکته‌ای دیگر که این هم همین مسئله‌ی حضور مردم و تأثیر مردم در سرنوشت کشور [است]. میفرماید که «وَلَا أَمْرٌ وَلَا إِن صَغَرَتْهُ النَّفُوسُ وَ اقْتَحَمَتْهُ الْعُيُونُ بِدُونِ أَنْ يُعَيَّنَ عَلَى ذَلِكَ»؛ (۱۹) هر کسی هر چند به نظر شما کوچک بیاید و بخواهید یا بتوانید او را نادیده بگیرید، این جور نیست که در سرنوشت کشور بی تأثیر باشد؛ یعنی کوچک‌ترین افراد جامعه، فقیرترین افراد جامعه، بی‌دست‌وپاترین افراد جامعه هم میتوانند در سرنوشت کشور مؤثر باشند. حالا اینها یک گوشه‌هایی از شخصیت امیرالمؤمنین است. اگر بخواهیم با زبان عادّی صحبت کنیم، باید بگوییم شخصیت امیرالمؤمنین مثلاً صد بُعد دارد و حالا این چند بُعدش را ما با استفاده از کلمات خود آن بزرگوار گفتیم و دیدیم که در همه‌ی این ابعاد، امیرالمؤمنین در اوج است؛ نه‌اینکه فقط دارای این ابعاد است، [بلکه] در این ابعاد، در اوج است. حالا زهد آن بزرگوار، عبادت آن بزرگوار، اخلاص آن بزرگوار، انفاق آن بزرگوار، سخاوت آن بزرگوار، اصلاً حرفهایی است که عرض کردم، [اگر] کسی بخواهد در این باره حرف بزند، بحث یک ساعت و چند ساعت نیست؛ روزها و ماهها و سالها باید بنشیند حرف بزند. لذا در کلمات خود این بزرگوار هم ابعاد دیگری را میشود نشان داد و پیدا کرد.

انس بگیرید با نهج‌البلاغه؛ من به جوانها مخصوصاً تأکید میکنم؛ نهج‌البلاغه را یاد بگیرید. خوشبختانه ترجمه‌های خوبی از نهج‌البلاغه شده و در دسترس همه است. بخوانید نهج‌البلاغه را؛ بخوانید، ببینید که امیرالمؤمنین چه چیزی به ما یاد میدهد؛ چه درس میدهد و از وجود خودش چه خبرها میدهد. آنچه امیرالمؤمنین بیان میکند، تجسم برتر همه‌ی این ارزشها خود او است. در کلمات ائمّه‌ی دیگر (علیهم السلام) هم همین جور. در همین زیارت روز عید غدیر، امروز، یک زیارت معروف

توانستند، علیه جمهوری اسلامی انجام دادند؛ تا الان هم مشغولند؛ مرتب نقشه میکشند، که من در صحبت‌های مختلف بیان کرده‌ام و از نقشه‌های اینها حرف زده‌ام؛ از بعضی‌ها از نقشه‌های اینها بحمدالله توانستیم پرده‌برداری کنیم تا دیده بشود که چه کار می‌خواهند بکنند؛ الان هم مشغولند. جمهوری اسلامی دشمن دارد. یکی از چیزهایی که جمهوری اسلامی را بر دشمنانش فائق میکند، انتخابات است. اگر مشارکت خوب مردم در این انتخابات مشاهده بشود، این مایه‌ی سرافرازی جمهوری اسلامی است.

مشارکت مردم در ذات جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی — «جمهوری» یعنی مردم دیگر — [یعنی] عموم مردم با شیوه‌ی اسلامی، با روش اسلامی وارد میدان بشوند. این میدان مظاهر زیادی دارد که مهم‌ترین مظهرش همین انتخابات و تعیین مسئولین کشور است. «وارد میدان شدن مردم» معنایش این است که جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه جمهوری است، [لذا] زبان دشمنان کوتاه میشود. در هر انتخاباتی که مشارکت کم بوده، زبان ملامت دشمنان جمهوری اسلامی و حسادت جمهوری اسلامی دراز شده، ملامت کردند. وقتی مشارکت بالا است، زبان بدگویان کوتاه میشود؛ نمیتوانند ملامت کنند، نمیتوانند شادی کنند، دشمن شاد نمیشویم؛ علت اینکه بنده اصرار بر مشارکت بالا دارم این است. بنابراین عنصر اول، مشارکت عموم مردم است؛ تنبلی نکنند، بی‌اعتنائی نکنند، دست‌کم نگیرند؛ در همه‌ی گوشه‌های کشور شرکت کنند. مشارکت فقط مال شهرها نیست؛ مال شهرهای بزرگ نیست؛ در انواع مراکز جمعیتی، روستاها، بخشها مردم باید در انتخابات شرکت کنند تا جمهوری اسلامی در دنیا سرافراز بشود.

کمک کرد، انقلاب تحوّل ایجاد کرد. ملت ایران قبلاً بکلی غافل بودند؛ و ماها همه‌مان. رحمت خدا بر امام بزرگوار، رحمت خدا بر پیشروان این انقلاب که بسیاری‌شان شهید شدند؛ زحماتی کشیدند، کار کردند، تلاش کردند، انقلاب به پیروزی رسید، و بحمدالله توانستند تا یک حدودی [ما را آشنا کنند]، رحمت خدا بر ملت ایران؛ این به جای خود محفوظ؛ لکن ما هنوز در همان قدمهای اولیم؛ ماها باید خیلی راه برویم، خیلی باید تلاش کنیم. خب این راجع به غدیر و امیرالمؤمنین.

چند جمله راجع به انتخابات. برادران عزیز، خواهران عزیز! انتخابات خیلی مهم است. سه روز دیگر ملت ایران در مقابل یک آزمون قرار میگیرد. انتخابات همیشه یک آزمون است، حالا به یک معنا بیشتر از همیشه [اهمیت دارد]. چهل روز تقریباً از فقدان یک رئیس خوب، یک رئیس جمهور محبوب، مردمی، علاقه‌مند و کاری گذشته که مردم هم او را دوست میداشتند و تشییع جنازه‌ی او در سراسر کشور میلیونی برگزار شد — که اینها همه امتیازات است — در عین حال در حدود چهلیم او مردم دارند یک انتخابات برگزار میکنند؛ این خیلی مهم است؛ در دنیا نظایر این کمتر اتفاق می‌افتد. ملت ایران این همت را دارد.

خب، امیدوارم ان‌شاءالله خدا ملت ایران را سرافراز از این انتخابات خارج کند. سرافرازی به چیست؟ سرافرازی به دو مطلب است: در درجه‌ی اول، «مشارکت حداکثری»، در درجه‌ی بعد، «انتخاب اصلح»؛ هر دوی اینها مهم است. مشارکت بالا که ما روی آن خیلی اصرار میکنیم، به خاطر این است که مهم‌ترین اثر مشارکت بالا، سرافرازی جمهوری اسلامی است. نظام جمهوری اسلامی از لحظه‌ای که تشکیل شده است، دشمنهای سرسخت داشته؛ هر کار

میشد. من حالا فهرست‌وار بدون توضیح ابرخی را عرض میکنم.]

بارزش‌ترین ظرفیت، جمعیت جوان تحصیل‌کرده است؛ حالا من از همه‌جای دنیا خیلی خبر ندارم اما در کشورهای منطقه، هیچ کشور دیگری به اندازه‌ی ما جمعیت جوان تحصیل‌کرده ندارد.

هوش و استعداد ذاتی ایرانی؛ این یکی از ظرفیتها است.

معادن عظیم کشور؛ نه فقط نفت، نه فقط گاز. من یک وقتی گفتم (۲۱) جمعیت ما حدود یک‌صدم جمعیت دنیا است، اما معادن اساسی و مهممان چهار پنجم صدم دنیا است؛ یعنی چند برابر اندازه‌ی جمعیت؛ این ظرفیت است دیگر؛ از اینها باید استفاده کرد.

موقعیت جغرافیایی؛ ما میتوانیم وسیله‌ی ارتباط بین شمال و جنوب و شرق و غرب دنیا باشیم که خب مرحوم رئیسی مقدمات این کار را فراهم کرده بود که بعضی از کارهایش را هم هنوز دارند انجام میدهند و ان‌شاءالله که دولت بعدی بتواند این کار را درست انجام بدهد؛ این خیلی برای کشور مهم است.

مرز طولانی آبی با دریاهای آزاد، دریاهای جنوب و شمال، تعداد همسایگان، بازار بزرگ منطقه، بازار هشتادمیلیونی خود کشور، تنوع اقلیمی کشور، شبکه‌ی راه‌آهن و جاده در سرتاسر کشور که این یکی از امتیازات بزرگ کشور ما است که در طول زمان در دولتهای مختلف این کار بحمدالله انجام گرفته. توانمندی‌های فنی مردان ما و جوانان ما در امر مسکن، در امر جاده، در امر سد، در مراکز گوناگون، توانمندی‌های صنعتی کشور در ساخت انواع تجهیزات؛ اینها همه زیربنا است؛ اینها همه ظرفیتهای مهم است، اینها زیربنای پیشرفت کشور است.

و اما نقطه‌ی دوم: انتخاب اصلح. انتخاب اصلح یعنی چه؟ «اصلح» کیست؟ اصلح آن کسی است که در درجه‌ی اول به مبانی این انقلاب و این نظام اعتقاد قلبی و واقعی داشته باشد. «علی بصیرة» و «علی یقین»؛ همان طور که از کلمات امیرالمؤمنین عرض کردیم؛ به این راه اعتقاد داشته باشد؛ این یک. رئیس‌جمهور فقیدمان، شهید خدمت، رئیسی عزیز، به معنای واقعی کلمه اعتقاد داشت. خب من از سابق که می‌شناختم ایشان را؛ در این دوره‌ی سه‌ساله‌ی ریاست جمهوری‌اش هم که مرتباً با ما دیدار و ملاقات داشت؛ کاملاً محسوس بود که با دل و جان، با اعتقاد حرکت میکند؛ یکی اینکه باید اعتقاد داشته باشد؛ دوم اینکه کارآمد باشد؛ شب و روز نشناسد، دنبال کار باشد، توانایی داشته باشد برای کار کردن؛ از عناصر خوب و همکاران خوب استفاده کند که حالا من بعد در آخر، یک جمله‌ای در این زمینه خواهم گفت. توان کار و نشاط کار همراه با اعتقاد راسخ به مبانی انقلاب، موجب صلاحیت است. وقتی این صلاحیت وجود داشت، این آدم با این خصوصیات میتواند از همه‌ی ظرفیتهای کشور استفاده کند.

من اینجا یک فهرستی از ظرفیتهای کشور نوشته‌ام که بخواهم توضیح بدهم، شرح بدهم طولانی میشود. ما در این کشور خیلی امکانات داریم؛ البته بعضی از این امکانات طبیعی است، بعضی در این سالهای بعد از انقلاب به مرور به وجود آمده و تولید شده، لکن دولتها در استفاده‌ی از این ظرفیتها یک جور نبودند؛ بعضی از دولتها واقعاً از این همه ظرفیت استفاده نکردند؛ بعضی از دولتها استفاده کردند، بعضی هم خوب استفاده کردند. این دولت سیزدهم از دولتهایی بود که از این ظرفیتها خوب استفاده کرد. اگر این دولت ادامه پیدا میکرد، بنده احتمال زیاد میدهم که بسیاری از مشکلات کشور، عمدتاً مشکلات اقتصادی حل

موراثت فرهنگی و تمدنی کشور؛ اینها همه جزو امکانات مهم ما است. امکانات گسترش گردشگری.

ایمان دینی قریب به کل مردم کشور؛ این خیلی مهم است. مردم ما واقعاً مردم مؤمنی هستند که شاید در کشورهای اسلامی این هم جزو موارد نادر باشد. ممکن است از لحاظ عملکرد و ظواهر و مانند اینها بعضی‌ها پایبندی درستی به شرع و شریعت و مانند اینها نشان ندهند اما ایمان دینی و اسلامی در یک اکثریت قریب به اتفاق در آحاد کشور وجود دارد. خب، از اینها میشود برای پیشرفت کشور استفاده کرد. آن کسی که بتواند، اصلاح است؛ بتواند دولتهای ما ان شاء الله از این ظرفیتهای استفاده کنند. آن کسی که توانایی استفاده‌ی از این فرصتها، از این ظرفیتهای را داشته باشد، اصلاح است؛ فرد اصلاح، او است.

بعضی از سیاسیون در کشور ما تصور میکنند که باید آویزان به این قدرت و آن قدرت بشوند؛ و بدون آویزان شدن به فلان قدرت معروف و بزرگ، در کشور نمیشود پیش رفت؛ بعضی‌ها این جور فکر میکنند. یا خیال میکنند که همه‌ی راههای پیشرفت از آمریکا میگذرد؛ نه، اینها نمیتوانند. این کسانی که چشمشان به خارج از مرزهای کشور است، این ظرفیتهای را نمی بینند؛ وقتی ندیدند، وقتی قدرش را ندانستند، طبعاً برای استفاده‌ی از آنها برنامه‌ریزی هم نمیکند. اینکه ما میگوییم چشمتان به خارج نباشد، یک علتش این است که وقتی چشم به خارج نبود، انسان قادر میشود که این ظرفیتهای درونی را ببیند، بفهمد، بشناسد. جمهوری اسلامی به فضل الهی، به توفیق الهی تا حالا نشان داده که بدون تکیه‌ی به بیگانگان و حتی با وجود موزیگری بیگانگان و چالشگری بیگانگان میتواند پیش برود و پیش رفته؛ این را جمهوری اسلامی نشان داده؛ در آینده هم به حول و قوه‌ی الهی

ملت ایران اجازه نخواهد داد که سرنوشتش را دیگران بنویسند.

ما وقتی گاهی از این حرفها در صحبت و سخنرانی میگوییم، بعضی‌ها یا توهم میکنند، یا مینویسند که این به معنای حصار کشیدن دور کشور است و یک عدم ارتباط با دنیا است؛ نه، ابداً؛ بنده از اول هیچ وقت [مخالف ارتباط نبودم]. ما با کم و زیادش، به قدر عمر بعضی از این حضرات، در کار سیاست و در کار مسائل انقلاب و در کار مسائل کشور بوده‌ایم. از اول معتقد به ارتباط با همه‌ی دنیا الا یکی دو استثنا بودیم. یک روز — اول انقلاب — آفریقای جنوبی کشوری بود که تبعیض نژادی در آن حاکم بود، ما رابطه‌مان را با آفریقای جنوبی قطع کردیم؛ بعد تبعیض نژادی از بین رفت، رابطه‌مان را برقرار کردیم؛ رابطه‌مان هم، رابطه‌ی خوبی است. آن چیزی که موجب قطع رابطه میشود، آن بایستی از بین برود؛ و الا ما معتقد به ارتباط با همه‌ی دنیا هستیم؛ ارتباط هم بحمدالله داریم. در بعضی از دولتهایی که بشدت پایبند به مبانی بودند، مثل دولت شهید رئیسی، ارتباطات دنیایی‌مان هم تقویت شد، ارتباطات بین‌المللی‌مان هم تقویت شد. بنابراین اینکه میگوییم بایستی چشمان به بیگانگان نباشد، به معنای قطع رابطه نیست، به معنای شجاعت ملی است، به معنای استقلال ملی است. شما اگر شجاعت ملی داشته باشید، استقلال ملی داشته باشید، ملت ایران شخصیت خود، توانایی خود، استقلال خود، قدرت پیشرفت خود را به دنیا نشان بدهد، احترامش در دنیا بسیار بیشتر و بالاتر خواهد شد؛ کمالینکه بحمدالله همین جور هم شده؛ انسان توفیقات بیشتری هم پیدا میکند.

خب عرایض ما تمام شد. من دو توصیه می‌خواهم بکنم: یک توصیه به مردم، یک توصیه به نامزدهای محترم

چنین نیتی داشته باشید. اگر یک چنین عهدی با خدا ببندید، کارهای انتخاباتی میشود یک کار حسنه و پیش خدای متعال ثواب خواهد داشت.

امیدواریم خدای متعال توفیقات خودش را بر همه‌ی آنها، بر همه‌ی ما نازل کند. خداوند ان شاءالله همه‌ی شما را حفظ کند.

۱) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۳

۲) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۲۴

۳) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۳۹

۴) امالی صدوق، ص ۱۲۲

۵) سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵؛ «... تا مردم به

«... انصاف برخیزند

۶) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «... بر کافران

«... سختگیر

۷) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «... با همدیگر

«... مهربان

۸) سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۲۸

۹) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۵۹؛ «... خدا را اطاعت

«... کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید

۱۰) نهج البلاغه، نامه‌ی ۶۲

۱۱) غررالحکم، ص ۵۶۶ (۱۲) یکی از شهرهای عراق

۱۳) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۷ (با اندکی تفاوت

۱۴) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۲۴ (۱۵) نهج البلاغه،

خطبه‌ی ۶ (۱۶) نهج البلاغه، نامه‌ی ۶۲ (۱۷) نهج البلاغه،

خطبه‌ی ۲۱۶ (۱۸) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۱۶

۱۹) هماد (۲۰) بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۳۶۷

۲۱) از جمله بیانات در دیدار مسئولان نظام

(۱۴۰۲/۱/۱۵)

ریاست جمهوری. توصیه‌ی به مردم عزیزمان این است که ما گفتیم «ایران قوی و سرافراز»؛ این شد شعار. ایران قوی خیلی طرفدار دارد. قوی بودن ایران فقط به این نیست که انواع و اقسام موشکها را داشته باشیم؛ که الحمدلله داریم، انواع و اقسامش را هم داریم، مفید و باکاربردش را هم داریم؛ اما فقط این نیست. قوی شدن ابعاد گوناگونی دارد؛ ابعاد علمی دارد، ابعاد فرهنگی دارد، ابعاد اقتصادی دارد؛ یکی از ابعادش همین بُعد حضور در میدان سیاست و میدان انتخابات است؛ این هم نشانه‌ی قوت است. پس هر کسی که علاقه‌مند به ایران قوی است، بایستی در این انتخابات شرکت کند. هر کسی معتقد به لزوم حمایت از نظام جمهوری اسلامی است، بایستی به صورت مضاعف به این اهتمام داشته باشد؛ این توصیه و عرض ما به مردم.

و اما توصیه و عرض ما به نامزدهای انتخابات؛ من به این حضرات محترم عرض میکنم: با خداوند خودتان عهد کنید که اگر موفق شدید و توانستید مسئولیتی به دست بیاورید، کسان و کارگزاران خود را از کسانی قرار ندهید که ذره‌ای با انقلاب زاویه دارند. آن کسی که با انقلاب، با امام راحل، با نظام اسلامی ذره‌ای زاویه داشته باشد، او به درد شما نمیخورد؛ او همکار خوبی برای شما نخواهد بود. آن کسی که دلبسته‌ی آمریکا باشد و تصوّر کند که بدون لطف آمریکا نمیشود قدم از قدم برداشت در کشور، او برای شما همکار خوبی نخواهد بود، او از ظرفیتهای کشور استفاده نخواهد کرد، او خوب مدیریت نخواهد کرد؛ آن کسی که راهبرد دین و شریعت را مورد بی‌اعتنائی قرار بدهد، برای شما همکار خوبی نخواهد بود. کسی را انتخاب کنید که اهل دین، اهل شریعت، اهل انقلاب، اهل اعتقاد کامل به نظام باشد. اگر شما نامزدهای محترم یک چنین عهدی با خدای خودتان ببندید، بدانید که همه‌ی کارهایی که برای انتخابات میکنید، حسنه خواهد بود؛ اگر یک

اختیاری نخواهند داشت در عین اینکه می توانند بر احوالات کسانی که در دنیا هستند واقف باشند. فیلم با وجود محدودیت های مکانی و بازیگری به خوبی توانسته است به مدد فضا سازی متفکرانه در چینش صندلی ها و استفاده از آینه ها و بازی بی عیب و نقص بازیگرانش مخاطب را ناخواسته به تفکر و تأمل وادارد. تفکر در مورد مسائلی که بسیاری تمایلی به اندیشیدن به آن ندارند اما با دیالوگ های بی طرفانه و واقع گرایانه نمی گذارد بیننده همینطور از کنارش رد شود. این دیالوگ ها هستند که فیلم را با ریتمی آهسته به پیش می برند اما حتی با این وجود هم ما شاهد لحظات هیجانی هستیم. زمانی که همه چیز را از دست رفته می بینی تازه اعتراف می کنی به چیزهایی که قبل از آن یا جرأتش را نداشتی و یا غرور اجازه اش را به تو نمی داد. حتی سرسخت ترین انسان ها نیز وقتی در این شرایط قرار می گیرند متوجه اشتباهاتشان می شوند. اشتباهاتی که در دنیا تحت هیچ شرایطی از هیچ کسی نمی پذیرفتند. این همان حسرتی است که خداوند در آیه ی ۳۹ سوره ی مریم می فرماید: “و آنان را از روز ندامت و حسرت بترسان، آن هنگام که کار (از کار) بگذرد (و همه چیز پایان یابد) در حالی که “(اکنون) آنان در غفلتند

احتمالا فیلم برای کسانی که به تله تئاتر و مسائل ماوراءالطبیعه علاقه ای ندارند فاقد جذابیت باشد. ریتم آهسته ی فیلم از نکات منفی آن است که موجب از دست دادن برخی بیننده ها می گردد. اگر حرکت ها و رفت و آمدها با سرعت بیشتری اتفاق می افتاد می توانست از کسالت فیلم در برخی مواقع بکاهد.

در هر حال رفتن به سراغ چنین موضوعاتی جسارتی می خواهد که شهاب حسینی نشان داد به خوبی از پس آن برمی آید. او می تواند حتی در فیلم هایی که ایستایی بیشتری دارند نیز بازی متبحرانه اش را به رخ بکشد و البته در کنار او بازی پریناز ایزدیار، آرمان درویش، ناهید

پیوند محرم با پیاده روی اربعین در سریال طوبی

سهیلا سادات حسینی: سریال طوبی از جمله کارهایی است که تلویزیون برای ماه محرم ۱۴۰۳ تدارک دیده است و گفته می شود بخش هایی از آن در پیاده روی اربعین فیلمبرداری شده و همین امر کنجکاوی ها را پیرامونش بیشتر گردانیده است. کارگردانی این اثر را سعید سلطانی که با سریال های ستایش و پس از باران شناخته می شود به تهیه کنندگی سید حامد حسینی برعهده گرفته است. کاری که سید حسین امیر جهانی با سابقه ی نویسندگی نجلا و پدر نگارشش را برعهده دارد. بازیگران اصلی آن امین زندگانی، داریوش ارجمند، فریبا نادری، شبمنم مقدمی و هومن برق نورد هستند.

مقیمان ناکجا روایتی متفاوت از زندگی پس از زندگی

مقیمان ناکجا روایتی متفاوت از زندگی پس از زندگی سهیلا سادات حسینی: فیلم سینمایی مقیمان ناکجا به نویسندگی، کارگردانی و تهیه کنندگی شهاب حسینی بر اساس نمایشنامه ی مهمانسرای دو دنیا اثر اریک امانوئل اشمیت ساخته شده است. فیلمی که با روایتی متفاوت به حقیقت زندگی پس از زندگی می پردازد و سعی می کند برخی واقعیت های آن را به نمایش گذارد. برای مثال نشان می دهد که آدم ها با هر میزان دانش، خصلت و خوبی که در دنیا زندگی کرده اند پس از رفتن از دنیا با همان ویژگی ها حضور می یابند و در آنجا هیچ اراده و



و نویسندگان آن حمید رسول پور و سمیه تاجیک هستند. محمدرضا شریفی‌نیا، آشا محرابی، خسرو شهرآز، مهرداد ضیایی، حسین سحرخیز، رز رضوی، شراره رخام، شاهد احمدلو، سولماز حصاری، بهمن دان، صدرالدین حجازی، مهدی شیخ عیسی، ملیکا عبداللهی، محمد حاجی بابایی، مهدی شاکریان، سامان صفاری، امیریل ارجمند، کاظم بلوچی، فریبا متخصص، کاوه سماک باشی، افسانه چهره آزاد، حسن میرباقری، نسیم ادبی، ویدا جوان، کمند امیرسلیمانی، سپند امیرسلیمانی، هامون سیدی، رامبد شکرآبی، آریتا ترکشوند، حسن اسدی، اتابک نادری، وحید شیخ‌زاده، افشین سنگ‌چاپ، احمد پورخوش، آزاده ریاضی، فرشید نوایی، نادیا شادمان، دنیا دهقان، سیروس سپهری، زهرا فراهانی، جلیل بشتام، سعید پاکزاد، فریبا صادقیان، معصومه پاشایی، میثم ولی خانی، فاطمه حسینی، ابراهیم مرادی به همراه چهره‌های جدید از جمله زارا نادری‌فر، محمدسعید فرازمند و دنیا فتاحی بازیگران این سریال هستند.

سریال تاریخی مهیار عیار به کارگردانی سید جمال سید حاتمی و تهیه کنندگی محمدرضا شفیعی به روایت داستان زندگی مهیار عیار در دوران صفویه می‌پردازد که از بازیگران و لوکیشن‌های بسیاری بهره گرفته است. برخی از بازیگران این مجموعه ی تلویزیونی کامران تفتی، متین ستوده، بهنام تشکر، سیامک انصاری، صفا آقاجانی،

مسلمی، احمد ساعتچیان، غزال نظر و تنی آواکیان مکمل‌های خوبی بودند که هر کدام در ارائه ی بازی‌هایشان موفق عمل کردند.

سریال‌ها در انتظار آنتن

سهیلا سادات حسینی: برخی سریال‌هایی که قرار است تابستان و پاییز ۱۴۰۳ از شبکه‌های مختلف تلویزیون روی آنتن بروند عبارتند از:

سریال کم‌دی بدل ساخته ی علیرضا مسعودی معروف علی‌مشهدی که بعد از هفت سر‌اژدها یکی دو قسمت آن پخش شد و بعد متوقف شد. در این خصوص گمانه‌زنی‌های بسیاری صورت گرفت اما کارگردان آن اظهار داشت این تصمیم لطفی بوده است از سوی صدا و سیما نسبت به این سریال زیرا با شهادت آیت‌الله رئیسی و بعد فرارسیدن ماه محرم از پخش تکه تکه ی آن جلوگیری کردند.



سریال ناریا درامی پلیسی امنیتی به سفارش مرکز فیلم و سریال معاونت برون مرزی است که داستان دختر دانشمند ایرانی را در ایران، ترکیه، ارمنستان و کشوری عربی به تصویر می‌کشد. کارگردانی این اثر را جواد افشار برعهده گرفته است و تهیه‌کننده اش محمد مصری پور

دریامج، علی علیپور، نگار بابایی، امین چنارانی، مهران ضیغمی، فرخنده طالبی، مرجان متقی، بهمن صادق حسنی، مرتضی عالم، فاطمه حاجوی، منیره حسینزاده، معصومه محمدپور، دلسا معجزی، مرسده جهانی، باقر یکتا، فریبرز زیده سرایی و عادل علیزاده از جمله بازیگران این سریال تلویزیونی اند.

سریال خانوادگی فراری که با برداشتی آزاد به روایت زندگی مصطفی صدرزاده شهید مدافع حرم از سال ۱۳۷۶



تا ۱۳۸۵ می پردازد. این سریال به تهیه‌کنندگی امیر پوروزیری و سجاد نصرالهی نسب و کارگردانی امیر داسارگر با حضور بازیگرانی چون هدایت هاشمی، نسرین بابایی، حسین رفیعی، شهرام قاعدی، علی زرمهری، شهین تسلیمی، جواد خواجوی، شهروز آقایی پور، مجید پتکی، افشین آقایی، حسین اجاقلو (بازیگر نوجوان)، زین العابدین تقی پور روی آنتن خواهد رفت.

سریال پلیسی هشت پا که محصول مشترک موسسه ناجی هنر و سیما فیلم است به کارگردانی احمد معظمی، تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی و نویسندگی علی طالب آبادی منتظر زمانی مناسب برای پخش است. سعید چنگیزیان، مینا وحید، افسانه چهره آزاد، احمد نجفی، محمد صادقی بازیگران اصلی حاضر در این مجموعه هستند.

سریال خانوادگی غریبه به کارگردانی سروش محمدزاده و تهیه‌کنندگی جواد فرحانی و حضور بازیگرانی چون

رامین ناصر نصیر، جواد انصافی، آتش تقی پور، مهدی حاجیان، بهروز بخت آور، جواد کشانی و سهیل نوشادیان هستند.

سریال خانوادگی مادر سوجان که قرار است در پنج فصل و در مجموع حدود سیصد قسمت به روایت شاخص‌های زن ایرانی و اهمیت نهاد خانواده بپردازد که اکنون فصل اول آن مرتبط با دهه‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۵۰ آماده پخش است و در فصل‌های دیگر همراه با شخصیت اصلی داستان که در این فصل نوه است پا به میان‌سال‌ها و پیری او تا دهه ۱۴۰۰ بگذاریم. کارگردانی این سریال را حسین



تبریزی به تهیه‌کنندگی مهدی کریمی برعهده گرفته است تا داستانی را که فریدون حسن پور به رشته‌ی تحریر درآورده است به قاب تلویزیون بیاورند. ثریا قاسمی، سید مهرداد ضیایی، حمیدرضا نعیمی، مهران رجبی، مهدی صباپی، بهادر زمانی، علی مرادی، غزاله اکرمی، افشین غیاثی، رامین راستاد، حدیث نیکرو، ساغر عزیزی، شیرین محسنی، زهرا جهرمی، پریسا دوستی، فرج گل‌سفیدی، رضا عباسی، بهمن دان، اتابک نادری، فریده

سه ضلع بطور سیستمی تعامل دارند. وجود مولفه ای از عشق یا ترکیبی از دو یا چند مولفه هفت نوع تجربه عشق ایجاد می کنند. که ممکن در یک رابطه متفاوت باشد دوستی: این نوع عشق زمانی است که مولفه صمیمیت یا دوست داشتن وجود داشته باشد، اما احساس اشتیاق یا تعهد وجود ندارد.

شیفتگی: احساس هوس و اشتیاق جسمی بدون پسندیدن و تعهد دارد. زمان کافی برای ایجاد احساس عمیق صمیمیت، عشق رمانتیک یا عشق کامل وجود ندارد. عشق خالی: با تعهد بدون شور و صمیمیتی که موقعی، عشقی شدید به عشقی پوچ تبدیل میشود و بالعکس.

رمانتیک: از راه صمیمیت و اشتیاق جسمی پیوند دارد. در این نوع مکالمه های عمیقی کمک میکند جزئیات صمیمی درباره هم بدانند و از شور جنسی لذت ببرند. همنشین: نوعی عشق صمیمی بی شور است. این شامل مولفه صمیمیت یا پسندیدن و مولفه تعهد مثلث عشق است. از دوستی قویتر است و تمایل جنسی آن کم است. این نوع عشق غالباً در ازدواج هایی دیده می شود که اشتیاق در آن از بین رفته باشد

اما در ابلهانه تعهد و شهوت هست و صمیمیت یا دوست داشتن نیست. استرنبرگ معتقد است در این حالت افراد در نگاه اول عاشق یکدیگر می شوند و خیلی زود بدون اینکه همدیگر را بشناسند به داشتن یک رابطه طولانی متعهد می گردند. نویسنده: دکتر یاسر اصلانی

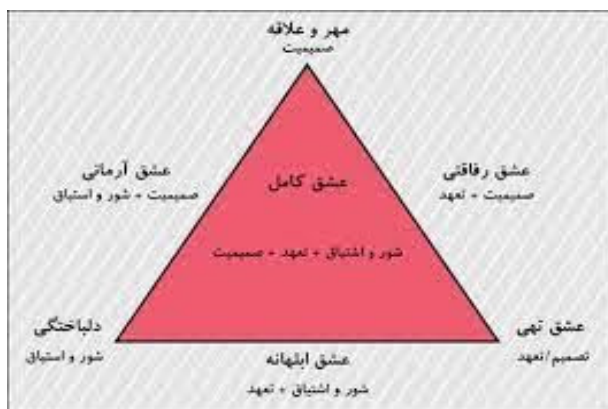


پژمان بازغی، حمید گودرزی، اسماعیل محرابی، بهار قاسمی، هلن نقی لو، رضا فیاضی و پوران دخت مهیمن آماده ی پخش از تلویزیون است. این سریال زندگی جوان نخبه ی داروسازی را روایت می کند.



لحظه ای با دکتر: انواع عشق

استرنبرگ آمریکایی مثلثی برای عشق با سه عنصر طرح کرده است که صمیمیت به عنوان پیوند نزدیک و احساس تعلق داشتن همراه با علاقه جهت در میان گذاشتن افکار و احساسات خصوصی افراد دارد که در این مثلث اشتیاق و شهوت یک میل جنسی شدید وجود دارد که در ضلع بعدی خود تعهد می بیند که در آن فرد دیگری را به شدت دوست دارد و خودش را ملزم حفظ رابطه با طرف مقابل می داند.





عرصه حضور داشتند. مانن د فیلم دسته ی دختران.



عرصه حضور داشتند. مانند فیلم دسته ی دختران. و در همین معرفی ها فیلمی به نام بیست و سه نفر که فرهنگ جبهه و جنگ را به تصویر می کشند. فارغ از جنس ساخت و فرم، محتواها در اینجا مدنظر است که ضرورتش خیلی بیش از پیش احساس میشود

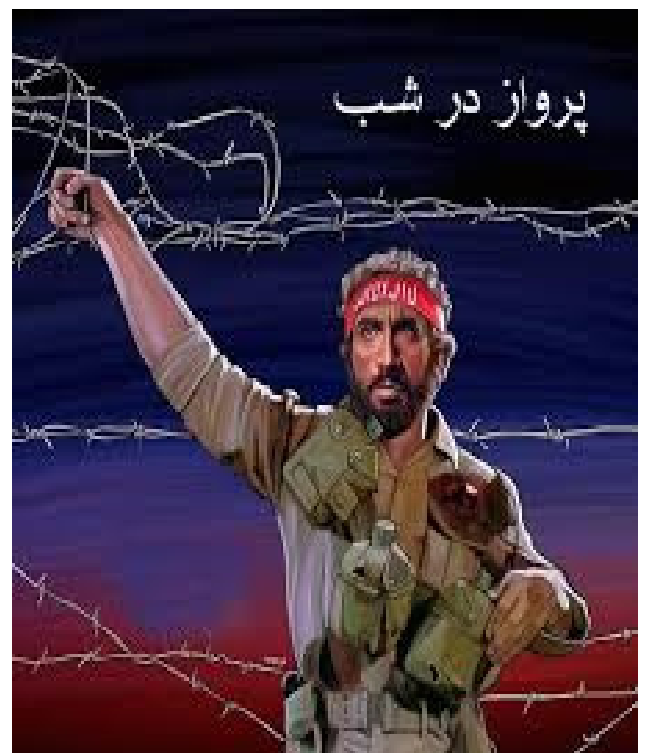
فیلمهایی که دیگر نیازمند در دست گرفتن سوپرمن و بتمن و شخصیتهای خیالی نیست. واقعیتهایی هستند که هم هیجان را با خود دارند هم جذابیتهای بصری مانند تک تیرانداز که به شخصیت نابغه ی ایرانی به نام شهید

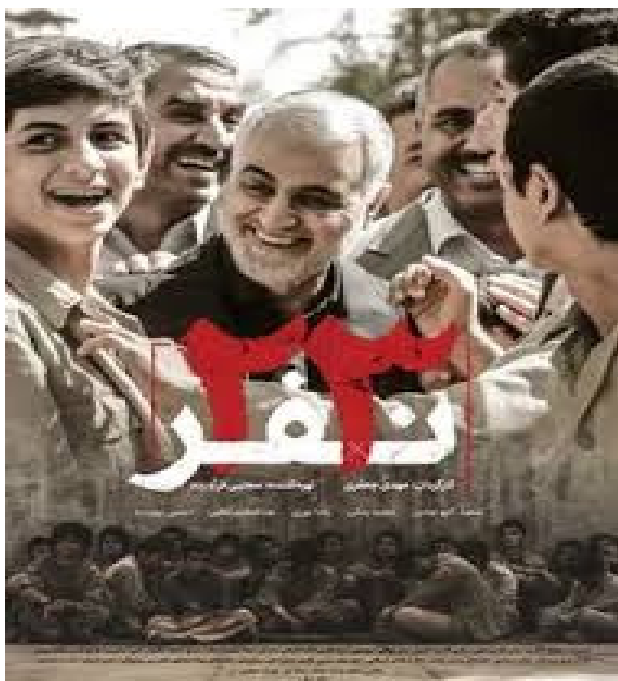


اسوه های فیلمهای تلویزیونی و سینما

اسوه های امروزی ما شهیدانی هستند که وقتی در قاب تصویر دیده می شوند، هم پرفروش هستند هم فرهنگ ساز. به اصطلاح سلبریتی هایی که امروز با تجمل و زرق و برق دنیا دیده شده اند و دل جوانان و نوجوانان را برده اند یک ظاهری زود گذر است که باید خطر آنان را در بزنگاههای رفتاری و اخلاقی دید. که چگونه بر ضد روشهای فرهنگی سخن راندن و عمل کردند.

دویست و پنجاه فیلم در موضوعات دفاع مقدس ساخته شده است. اما ضرورت الگوسازی برای نسل جوان امروزه بیشتر احساس می شود. تا بینن شخصیتهایی مانند شیروردی، حسین ادیبان، حمیدرضا سهیلیان، حسین همدانی، بابایی، کشوری، ستاری، مهدی نریمان فرمانده گردان کمیل، ساموئل خاچیکیان خلبان، عباس دوران و محمود اسکندری، احمد متوسلیان، باکری ها، محمد بروجردی، شهید چمران و دختران و زنانی که در این





وجود دارد. و به این بهد از ساختهای فرهنگی مسئولین
نگاهی کوتاه دارند.؟

نویسنده: فاطمه محمودی

@totayar.ir اینستاگرام @sayer_man

@totayar سروش و اینا و آی گپ

تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

www.totayar.ir

www.sayerman.ir

عبدالرسول زرین» که بنا به آمار یکی از موفقیت‌ترین تک
تیراندازان جنگ‌های معاصر جهان است.

نوابی اینگونه کم نبودند همچون غلامحسین افشردی
معروف به حسن باقری که نقش کلیدی در آزادسازی
خرمشهر داشت و فقط در یک مستندی کوتاه به تصویر
کشیده شد.



فیلمهایی از جنس اخراجی‌ها با جذابیت بالا به علت
وجود شخصیت‌هایی متفاوت خود نیز یک ضرورت است.
نشان فرهنگی که این کشور از شمال و تا جنوب و از شرق
تا غربش توسط تک تک مردمان و زنان این سرزمین
حفظ و حراست شده است. این است قهرمانی برای ساخت
فرهنگ و فرهنگ را ساختن.

وقتی رهبر انقلاب در شهریور سال هزار و سیصد و نود و
پنج این گونه به فرهنگ اشاره می‌کنند که: ولوایت بسیار
مهم کشور، فرهنگ است. فرهنگ از ادبیات و هنر تا
سبک زندگی تا فرهنگ عمومی تا اخلاق تا رفتار اجتماعی،
شامل همه‌ی اینها است؛ ما در این زمینه‌ها تکلیف داریم،
مسئولیت داریم؛ دستگاه‌های فرهنگی ما واقعاً مسئولیت
دارند در این زمینه. فرض بفرمایید حالا فیلم، تئاتر،
سینما، خب اگر مراقبت نباشد [چه میشود]! بنده طرفدار
جزم‌اندیشی و فشار و اختناق در این زمینه‌ها نیستم،
میدانید، من اعتقاد راسخ دارم به آزاداندیشی؛ منتها
آزاداندیشی غیر از ولنگاری است، ...پس چرا کوتاهی

"Islamic Republic" indicates that presence of the people is a foundational part of it



Reporter:

In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

I offer my greetings and respect to the great, honorable, wise Leader of the Islamic Revolution. Good morning. May God bestow His blessings upon you and grant you continued health and well-being.

We honor the memory of the Martyrs of Service, in particular our beloved [late] president, Martyr Raisi, as we hold the 14th presidential election due to his no longer being among us.

On June 3 [2024], you spoke of the epic nature of these elections. And on the day of Eid al-Ghadir, you emphasized the need for an increased, maximum participation in order to bring honor and strength to Iran. Now that we are in the initial minutes of the voting process in the 14th presidential election, and considering the unparalleled position and role that the president has in

the strength and progress of the country, what is your final recommendation for those who are still hesitant about voting or have not yet made a definite decision?

Imam Khamenei:

In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

I pray to Almighty God for the best days and years and for the greatest blessings for our beloved nation. Election Day for us Iranians is a day of joy and happiness, especially when the election is for choosing the president who will shape the country's future for the next few years. However, I believe there is an important issue alongside this, and that is the enthusiastic participation of the people and an increase in voter turnout.

This is an essential need of the Islamic Republic. The word Republic in the name "Islamic Republic" indicates the presence of the people is a part of the foundation of this system. Therefore, the continuation of the Islamic Republic, the strength of the Islamic Republic, the dignity of the Islamic Republic, and the honor of the Islamic Republic in the world depend on the participation of the people.

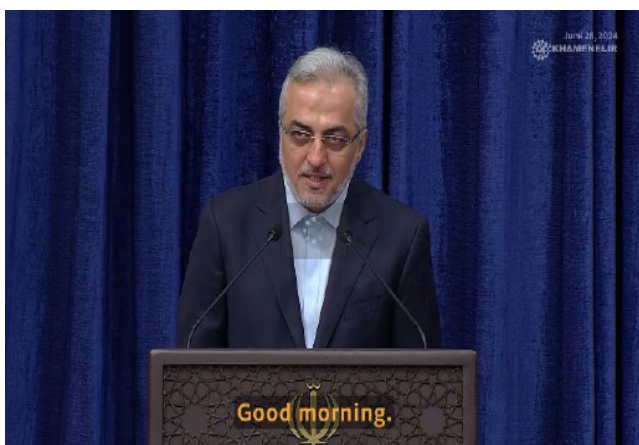
This is the reason we recommend our beloved people take the issue of voting and participating in this important political test seriously. As for what you mentioned about some people being hesitant, I see no reason for hesitation. This is an easy task that will yield important results. Why

should a person hesitate to do something that costs nothing, is not difficult, has no material cost, doesn't take much time, has no pressures involved, but has numerous benefits?

People should not hesitate, especially considering the point I have mentioned that the strength of the Islamic Republic depends on the participation of the people. Furthermore, the participation of the people is necessary and obligatory in order to demonstrate the validity and honesty of the system of the Islamic Republic. I hope, God willing, that Almighty God will ordain the best, most beneficial choice for this country. May the upcoming years be advantageous, and may the people be satisfied with the choice they make.

May God's greetings, mercy, and blessings be upon you.

May God be with you. May God be with you.



first and last in knowledge, and Ja'far ibn Muhammad al-Sadiq, and Musa ibn Ja'far al-Kazim, and Ali ibn Musa al-Reza, and Muhammad ibn Ali al-Jawad, and Ali ibn Muhammad al-Hadi, and Hasan ibn Ali al-Zaki al-Askari, and Al-Hujjat al-Qa'im al-Mahdi, may God's blessings and peace be upon them and their mother, the truthful, pure, immaculate, purified one, and may God unite us with them.

Once again, I congratulate all of you dear people on this auspicious occasion, the occasion of Eid al-Fitr.

What I believe is important to emphasize in this sermon is that this year during the month of Ramadan the bloodshed in Gaza has upset Muslims throughout the world. May God curse the usurping Zionist regime! Not only did they not stop their massacre of women, children, and defenseless people during this blessed month, but they even escalated the killing. Western governments have always helped and supported the usurping regime throughout these years. They have supported it in international assemblies. They have provided it with all kinds of assistance. It was their duty to stop and prevent them [the Zionist regime] in this important matter, in this tragedy, in this calamity. But they didn't stop them. The Western governments didn't do their duty. Some verbally uttered some words in support of the [Palestinian] people, but in action not only did they not stop it [the Zionist regime], but many of them even helped it, in particular the arrogant, oppressive US and British governments.

During this year's events, Western countries

openly showed the evil nature of Western civilization. We used to keep saying this. The critics of Western civilization have repeated many times that their civilization is based on evil. They said it was built on separation from and antagonism toward spirituality and spiritual virtues and values. No good can be expected from it. Everyone was saying that. However, in the events of the past six months with regard to the issue of Gaza and Palestine, the Western governments have exposed their evil essence to the entire world. They have shown the true nature of their civilization. They kill children in the arms of their mothers. They kill patients in hospitals. They are unable to overpower the Resistance and the men of the Resistance [forces], so they resort to attacking families, children, civilians, and elderly men instead. They have killed over 30,000 innocent civilians in the past six months. Where are those who deafen the world with their loud cries about human rights? Where are they? Why are they not seeing this? Are these people not human beings? Don't they have rights? That was about them.

But the malicious regime itself, which is all malice, evil, and error, added another mistake to its own errors by launching an attack on the Iranian consulate in Syria. The consulate and embassy offices in any country where they exist are regarded as the soil of the country to which the embassy belongs. Attacking our consulate is like attacking our soil. This is what is common around the world. The malicious [Zionist] regime has made a wrong move in this case. It should be punished, and it will be punished.

We are, of course, mourning the loss of our martyrs — Martyr Zahedi, Martyr Rahimi, and their comrades. I have already mentioned that these men were yearning for martyrdom. They didn't lose anything. How fortunate they are! These are people who spent their entire life pursuing martyrdom. God gave them this reward for their jihad. How fortunate they are! We are mourning this loss, but they attained prosperity. They were able to achieve their goal — both them and the Martyrs for Security in Baluchestan Province. These dear young people who guard the country's borders have put their lives in danger. The nation is mourning for this loss. May Almighty God grant the Iranian nation strength, reward, patience, and success, and help them to achieve their great national and collective goals.

I insist on unity. Dear people, dear young people, all of you who are active in politics, social activities, and the media, know that success lies in unity. Success lies in the unity of the Iranian nation.

Having political and non-political differences of opinion is not a problem, but conflicts, confrontations, destroying unity, and creating divisions and artificial dichotomies are detrimental to the country, your religion, your world, and your strength.

O Lord! By Muhammad and his Progeny, bestow the best blessings upon this nation. Grant victory to this nation over its enemies. O Lord! Don't allow the enemies of our nation to rejoice. O Lord! Make the pure souls of our great Imam [Khomeini]

and our beloved martyrs pleased and content with this nation and with what we do. Make the sacred heart of the Imam of the Time pleased with us.

“In the Name of God, the Compassionate, the Merciful.

By Time! Indeed, man is in loss, except those who have faith and do righteous deeds, and enjoin one another to [follow] the truth, and enjoin one another to patience” (Quran 103:1-3).

May God's greetings, mercy, and blessings be upon you.



**sayes
man**

@sayesman

